

## کتاب‌های بمبئی: ابراهیم پورداود و پارسیان\*

افشین مرعشی

دانشیار مطالعات ایران، دانشگاه اوکلاهما

### درآمد

در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، جامعه زرتشتیان بمبئی نقش فعال و روبه‌رشدی را در حیات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران ایفا کرد. پارسیان هند پس از سده‌ها روابط پراکنده و محدود با جوامع زرتشتی ایران، به ازسرگیری رابطه با هم‌کیشان ایرانی خویش و سرزمینی که خاستگاه هجرتشان از زمان تسخیرش به دست اعراب مسلمان بود پرداختند. این روابط در قرن نوزدهم میلادی شکل گرفته بود، اما در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ تأثیر جامعه پارسیان هند بر ایران به حد بی‌سابقه‌ای رسید.

در این دوره، نفوذ روزافزون پارسیان هند در ایران، از جمله حمایتشان از برنامه ملت‌سازی دولت تازه‌تأسیس پهلوی، چند علت داشت. اولاً، در اوایل قرن بیستم، رنسانس فکری پرشتاب پارسیان بمبئی این آگاهی تاریخی را در زرتشتیان هندی ایجاد کرد که ایران سرزمین آبا و اجدادی پارسیان است.<sup>۱</sup> ثانیاً، پارسیان به سبب رشد اقتصادی قابل توجه

افشین مرعشی (دانش‌آموخته دکتری تاریخ دانشگاه یوسی‌ال‌ای، ۲۰۰۳) دانشیار مطالعات ایرانی کرسی خانواده فرزانه در دپارتمان مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای دانشگاه اوکلاهماست و همچنین، مدیریت برنامه مطالعات ایرانی این دانشگاه را به عهده دارد. مقالاتش در مجله بین‌المللی مطالعات خاورمیانه، مطالعات ایران، و مجله جوامع فارسی‌زبان منتشر شده است و کتاب‌های ملت‌سازی در ایران: فرهنگ، قدرت و دولت از ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۰ و نیز بازاندیشی ناسیونالیسم و مدرنیته ایرانی، به همراه کامران آقایی، را به چاپ سپرده است و هم‌اکنون، پژوهش تکنگرانه تبعید و پادشاهی: جامعه پارسیان هند و برآمدن ناسیونالیسم ایرانی مدرن را در دست کار دارد.

(Afshin Marashi <amarashi@ou.edu>

University Press, 2011), 142-162; Mary Boyce, *Zoroastrianism: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge, 1979), 196-204.

<sup>۱</sup> این مقاله را عماد نقی‌پور برای ایران‌نامه ترجمه کرده است. درباره رنسانس فکری پارسیان در قرن نوزدهم بنگرید به Monica M. Ringer, *Pious Citizens: Reforming Zoroastrianism in India and Iran* (Syracuse: Syracuse

و موفقیتشان در تجارت و صنایع نساجی در بمبئی استعماری، منابع بی‌شماری را برای انجام کارهای بشردوستانه و نیز سرمایه‌گذاری در اختیار داشتند.<sup>۲</sup> در آخر، پیشرفت‌های تکنولوژیک در اوایل قرن بیستم افزایش روابط پارسیان هند با ایران را ممکن ساخته بود. در دهه ۱۹۲۰، حمل‌ونقل و سفرهای دریایی به وسیله کشتی بخار از بمبئی به شهرهای حاشیه‌ای خلیج فارس امری متداول شده بود.<sup>۳</sup> احداث راه‌آهن، جاده‌سازی و تأمین امنیت راه که از ارکان برنامه ملت‌سازی حکومت پهلوی بود، پیوندهای تجاری میان شهرهای بندری ایران در جنوب و شهرهای مرکزی آن را مستحکم‌تر ساخت.<sup>۴</sup> این تغییرات فرهنگی، فکری، اقتصادی، فنی و زیرساختی در اوایل قرن بیستم بسترهای رشد روابط و همکاری جامعه پارسیان بمبئی با برنامه ملت‌سازی ایران را در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ را فراهم کرد.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های افزایش این مراودات برنامه جامعه پارسیان هند برای انتشار کتاب‌های فارسی‌زبان در بمبئی با موضوع آیین زرتشتی و صدورشان به ایران بود. در دهه ۱۹۲۰، دولت تازه‌تأسیس پهلوی پیشینه باستانی ایران و از جمله میراث زرتشتی آن را اساس ملی‌گرایی رسمی نوین خود قرار داد. یکی از نخستین سیاست‌های فرهنگی دوره رضاشاه ترویج هویتی ملی و رسمی بود که بر این میراث باستانی تأکید می‌ورزید. بنیادهای خیریه بمبئی به همراه پژوهشگران، روشنفکران و رهبران جامعه پارسیان با خرسندی تمام از پذیرش میراث باستانی ایران به عنوان اساس هویت ملی مدرن توسط حکومت نوپای پهلوی استقبال کردند. لذا چاپ کتاب‌هایی با موضوع آیین زرتشتی و توزیع آنها در داخل ایران یکی از روش‌های اصلی پارسیان بمبئی برای نشان دادن

نیز بنگرید به

Mohamad Tavakoli-Targhi, *Refashioning Iran: Orientalism, Occidentalism and Historiography* (New York: Palgrave, 2001).

درباره بنیادهای خیریه پارسیان در بمبئی بنگرید به Christine Dobbin, "The Parsi Panchayat in Bombay City in the Nineteenth Century," *Modern Asian Studies*, 4:2 (1970), 149-164; Christine Dobbin, "Bombay: Parsi-British Affinity 1661-1940," in *Asian Entrepreneurial Minorities: Conjoint Communities in the Making of the World-Economy, 1570-1940*, ed. Christine Dobbin (Richmond: Curzon Press, 1996), 77-104; John R. Hinnells, "The Flowering of Zoroastrian Benevolence: Parsi Charities in the 19th and

20th Centuries," in *Papers in Honour of Professor Mary Boyce*, ed. Jacques Duchesne-Guillemin and Mary Boyce (Leiden: E. J. Brill, 1985), vol. 1, 282-286.

<sup>۳</sup>Nile Green, *Bombay Islam: The Religious Economy of the West Indian Ocean, 1840-1915* (Cambridge: Cambridge University Press, 2011), 125.

<sup>۴</sup>Patrick Clawson, "Knitting Iran Together: The Land Transport Revolution, 1920-1940," *Iranian Studies*, 26:3-4 (1993), 239-246; David Yaghoubian, "Shifting Gears in the Desert: Trucks, Guilds and National Development in Iran, 1921-1941," *Jusur: The UCLA Journal of Middle Eastern Studies*, 13 (1997), 1-36.

پشتیبانی خود از تغییرات فرهنگی ایجادشده در ایران رضاشاهی بود.<sup>۵</sup> در کنار تبلیغ‌های فزاینده حکومت پهلوی، کتاب‌های بمبئی به تقویت و اشاعه این پیام کمک می‌کردند که آیین زرتشتی رکن اصلی هویت ملی ایران محسوب می‌شود.

این کتاب‌ها با پشتیبانی پارسیان هند و تحت حمایت دو سازمان بانفوذ چاپ می‌شدند: انجمن ایران‌لیگ (Iran League) و انجمن زرتشتیان ایرانی (Iranian Zoroastrian Anjoman).<sup>۶</sup> این دو سازمان در بمبئی مستقر بودند و در فعالیت‌های خیرخواهانه گسترده‌ای مشارکت داشتند. ایران‌لیگ در سال ۱۹۲۲ تأسیس و جایگزین انجمن رفاه زرتشتیان ایران (Persian Zoroastrian Amelioration Fund) شد که خود در سال ۱۸۵۴ با هدف ارسال هدایای نیکوکاری به زرتشتیان کرمان و یزد برپا شده بود. از آن سو، انجمن زرتشتیان ایرانی که در ۱۹۱۷ تأسیس شده بود، توجه خود را معطوف به تدارک کمک‌های اجتماعی و مالی برای زرتشتیانی کرد که به صورت روزافزون از ایران به بمبئی مهاجرت می‌کردند. به‌رغم تفاوت در رویکرد، انجمن‌های ایران‌لیگ و انجمن زرتشتیان ایرانی هدف مشترکی داشتند و آن جمع‌آوری منابع مالی لازم برای انتشار کتاب‌های فارسی با موضوع آیین زرتشتی برای توزیع در ایران بود.

شاید همکاری ابراهیم پورداود (۱۲۶۴-۱۳۴۷ش/۱۸۸۵-۱۹۶۸م) با جامعه پارسیان بمبئی را بتوان مهم‌ترین مشارکت تألیفی در طول تاریخ تهیه کتاب با پشتیبانی پارسیان هند دانست. این همکاری در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ صورت گرفت که پربرترین دوره مرادوات بشردوستانه در خصوص ارسال کتاب به ایران به حساب می‌آید. در این زمان، کتاب‌هایی تألیف شدند که در جریان احیای تاریخ پیشاسلامی قرن بیستم کتاب‌هایی مرجع شمرده می‌شدند.

ابراهیم پورداود یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان تاریخ مدرن ایران بود.<sup>۷</sup> او سال‌های قبل و بعد از جنگ اول جهانی را در بیروت، بغداد، پاریس و برلین سپری کرد و در این برهه

Ringer, *Pious Citizens*, 190-91; Kaikhusroo M. Jamaspasa, "Iran League," *Encyclopedia Iranica*, at [www.iranicaonline.org](http://www.iranicaonline.org)

<sup>۵</sup> درباره زندگی و آثار ابراهیم پورداود بنگرید به یادنامه پورداود: مجموعه مقالات درباره فرهنگ و تمدن ایرانی، به اهتمام محمد معین (تهران: مهرگان، ۱۳۲۵)؛ علی‌اصغر مستفوی، *زمان و زندگی استاد پورداود* (تهران: علی‌اصغر مستفوی، ۱۳۷۲)؛ محمود نیکویه، *پورداود پژوهنده روزگار نخست* (رشت: انتشارات گیلان، ۱۳۷۸).

<sup>۶</sup> برای تاریخ فراگیری از چاپ و توزیع کتاب در بمبئی بنگرید به

Green, *Bombay Islam*, 118-154.

<sup>۷</sup> از دینیار پاتل برای در اختیار قرار دادن مقاله چاپ‌نشده‌اش درباره تاریخ ایران‌لیگ سپاس‌گزارم. Dinyar Patel "The Iran League of Bombay: Parsis, Iran, and the Appeal of Iranian Nationalism" (2008).

همچنین درباره ایران‌لیگ بنگرید به

بود که با سنت‌های شرق‌شناسی فرانسوی، آلمانی و انگلیسی آشنا گشت. همچنین، او یکی از اعضای "حلقهٔ برلین"، متشکل از روشنفکران و فعالان ایرانی تبعیدی، بود که در طرح‌ریزی روند سیاسی و فرهنگی نوین ملی‌گرایی ایران با آلمان‌ها در خلال جنگ همکاری می‌کردند.<sup>۸</sup> اعضای این گروه شخصیت‌های برجستهٔ دیگری در زمینهٔ تاریخ ملی‌گرایی ایران در اوایل قرن بیستم را نیز شامل می‌شد؛ از جمله سیدحسن تقی‌زاده، حسین کاظم‌زاده و محمدعلی جمالزاده که از سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۷ نشریه‌هایی را در برلین و در حمایت از ملی‌گرایی نوین ایرانی به چاپ رساندند و نشریهٔ کاوه مشهورترین آنها بود.

با پایان جنگ، پورداود نیز مانند بسیاری دیگر از اعضای حلقهٔ برلین زندگی اجتماعی و دانشگاهی درخشانی را در ایران دنبال کرد. او تا پایان عمر ۸۳ ساله‌اش استاد رشتهٔ ایران‌شناسی دانشگاه تهران بود؛ رشته‌ای که خود آن را پایه‌گذاری کرده بود. او نسلی از دانش‌پژوهان در شاخه‌های زبان‌شناسی تاریخی ایران، مطالعات آیین زرتشتی و تاریخ پیشااسلامی ایران تربیت کرد. پورداود که یکی از پیشگامان ترویج فرهنگ پهلوی در نیمهٔ قرن بیستم به شمار می‌رفت، نویسنده‌ای پرکار بود که هم تألیف‌های دانشگاهی داشت و هم برای مخاطب عام کتاب‌هایی را به چاپ رسانده بود.<sup>۹</sup>

اولین دورهٔ شاخص و پرکار زندگی حرفه‌ای پورداود پس از جنگ اول جهانی، در مدت اقامت او از ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ در بمبئی و به دعوت انجمن ایران‌لیگ شکل گرفت.<sup>۱۰</sup> جامعهٔ زرتشتیان در داخل ایران که به توانمندی‌های زبانی و پژوهشی پورداود به سبب فراگیری معلوماتش در فرانسه و آلمان واقف بودند، او را سزاوار دریافت بورس دانسته و برای تکمیل مطالعاتش به پاریس بامبئی پیشنهاد کردند.<sup>۱۱</sup> با تلاش انجمن ایران‌لیگ،

<sup>۸</sup> دربارهٔ گروه تبعیدیان برلین بنگرید به جمشید بهنام، برلنی‌ها: اندیشمندان ایرانی در برلن (تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۹)؛

<sup>۱۰</sup> پورداود سال تحصیلی ۱۹۳۴-۱۹۳۵ را نیز در هند سپری کرد. بنگرید به Afshin Marashi, "Imagining Hafez: Rabin-dranath Tagore in Iran, 1932," *Journal of Persianate Studies*, 3 (2010), 72.

<sup>۱۱</sup> John R. Hinnells, *The Zoroastrian Diaspora: Religion and Migration* (Oxford: Oxford University Press, 2005), 80.

پورداود از طریق معرفی محمد قزوینی با پارسیان آشنا شده بود. قزوینی مدت زیادی راه را، از ۱۹۰۴ تا ۱۹۳۹، به پژوهش در پاریس پرداخته بود و آپارتمانش در پاریس به محفلی برای آموشد پورداود و دیگرانی از جمله پارسیان هند بدل شده بود. همچنین، قزوینی و پورداود هر دو زمان جنگ را در برلین گذرانده و در انتشار نشریهٔ کاوه

Afshin Matin Asgari, "The Berlin Circle: Iranian Nationalism Meets German Counter Modernity," in *Rethinking Iranian Nationalism and Modernity: Histories and Historiographies*, eds. Kamran Aghaie and Afshin Marashi (Austin: University of Texas Press, 2014); Afshin Marashi, *Nationalizing Iran: Culture, Power, and the State, 1870-1940* (Seattle: University of Washington Press, 2008), 49-56 and 76-85.

<sup>۹</sup> برای فهرست کاملی از نوشته‌های پورداود بنگرید به مستوفی، زمان و زندگی استاد پورداود، ۳۸۷-۴۶۳.

و در رأس آن دینشاه ایرانی، شرایط سفر پوردادود به هند و آغاز همکاری‌های او با جامعهٔ پژوهشی پارسیان بمبئی فراهم شد.<sup>۱۲</sup> پوردادود اقامت دو سال و نیمهٔ خود در بمبئی را به مطالعه در مراکز دینی و دانشگاهی به همراه پژوهشگران پارسی و نیز ایراد سخنرانی پیرامون مسایل مربوط به تمدن مشترک ایران و هند اختصاص داد.<sup>۱۳</sup> ثمرهٔ اقامت پوردادود در هند و همکاری‌های او با انجمن ایران لیگ و انجمن زرتشتیان ایرانی، تألیف و انتشار مجموعه کتاب‌هایی بود که در ترویج پایه‌های فرهنگی ملی‌گرایی رسمی دولت پهلوی نقشی سازنده داشت.

از ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۳، پوردادود و پارسیان در بمبئی دست‌کم ۱۰ کتاب به زبان فارسی منتشر کردند. این کتاب‌ها هم در هند توزیع و هم برای خوانندگان روبه‌رشد ایران به آنجا صادر می‌شدند. اولین کتاب پوردادود رساله‌ای ۱۰۰ صفحه‌ای با عنوان ایرانشاه بود که در بمبئی و با پشتیبانی ایران لیگ و انجمن زرتشتیان ایرانی در ۱۹۲۶ به چاپ رسید.<sup>۱۴</sup> کتاب ایرانشاه را می‌توان بازگویی جدیدی از قصهٔ سنجان دانست که حاوی روایتی منظوم از افسانهٔ تاریخی مهاجرت زرتشتیان به هند پس از تسخیر ایران به دست اعراب مسلمان در قرن هفتم میلادی بود. پوردادود در به پرسش گرفتن اصالت تاریخی قصهٔ سنجان با بسیاری از محققان و از جمله پژوهشگران پارسی قرن نوزدهم هم‌عقیده بود. با این حال، او در کتاب ایرانشاه قصهٔ سنجان را مبنایی برای نقل روایتی جدید از داستان هجرت پارسیان برای خوانندگان قرن بیستمی ایران قرار داد.<sup>۱۵</sup>

نقل روایتی جدید از داستان هجرت پارسیان در کتابی با تیراژ گسترده امری ضروری به نظر می‌رسید. در دهه‌های نخست قرن بیستم، مردم عادی و حتی قشر متوسط و

<sup>۱۴</sup>Ebrahim Purdavud, *Iranshab: Tarikhcheh-ye Mohajerat-e Zartoshtian be Hendustan* (Bombay: Iranian Zoroastrian Anjuman and the Iran League, 1926).

عنوان این کتاب اشاره به نام مکانی است که پارسیان به آتش مقدس بهرام در اودودا داده بودند. این مکان در مجاورت محل ورود زرتشتیانی بود که پس از تسخیر امپراتوری ساسانی به دست اعراب مسلمان در قرن هفتم میلادی به هند مهاجرت کرده بودند.

<sup>۱۵</sup> دربارهٔ قصهٔ سنجان بنگرید به

Alan Williams, *The Zoroastrian Myth of Migration from Iran and Settlement in the Indian Diaspora: Text, Translation, and Analysis of the 16th Century Qesse-ye Sanjan 'The Story of Sanjan'* (Leiden: Brill, 2009), 1-40.

با یکدیگر همکاری داشتند. دینشاه ایرانی در مقدمهٔ ترجمهٔ پوردادود از گات‌های نوبسید که قزوینی صلاحیت پوردادود برای دریافت کمک هزینهٔ پارسیان را تأیید کرده بود. بنگرید به

<sup>۱۲</sup>Ebrahim Pouredavoud, *Introduction to the Holy Gathas* (Bombay: Iranian Zoroastrian Anjuman and the Iran League, 1927).

<sup>۱۳</sup>Hinnells, "Flowering of Zoroastrian Benevolence," 283;

دربارهٔ همکاری‌های دیگر پوردادود و ایرانی بنگرید به Afshin Marashi "Patron and Patriot: Dinshah Irani the Revival of Indo-Iranian Culture," *Iranian Studies*, 46:2 (2013), 185-206.

<sup>۱۴</sup> مستوفی، زمان و زندگی استاد پوردادود، ۴۴-۵۳ و ۱۱۹-۱۲۵.

تحصیل کرده ایران آگاهی چندانی از میراث زرتشتی ایران نداشته و از وجود سنتی ایرانی-زرتشتی که در جامعه پارسیان هند در جریان بود بی‌خبر بودند. لذا هدف از تألیف ایرانشاه معرفی میراث فرهنگی مشترک هندی-ایرانی به مخاطبان عام ایرانی و ایجاد پیوندی میان جامعه پارسیان هند و ایران بود.

کتاب‌های دیگری نیز در مدت اقامت پورداد در بمبئی و نیز پس از آن به چاپ رسیدند و به مجموعه کتاب‌هایی که با ایرانشاه آغاز شده بود افزودند. از جمله این کتاب‌ها مجموعه‌ای از مقالات کوتاه و قابل‌دسترس بود که پورداد تحت عنوان خرمشاه، در بمبئی و با پشتیبانی مشترک انجمن ایران‌لیگ و انجمن زرتشتیان ایرانی نگاشته بود.<sup>۱۶</sup> مقالات گردآوری شده در این کتاب حاصل سخنرانی‌های فارسی پورداد بود که برای کشیشان، پژوهشگران و مردم عادی در بمبئی، اودوادا، پونا و دیگر مراکز آیین زرتشتی هند ارائه شده بود. برخی از این سخنرانی‌ها به صورت هم‌زمان به زبان گجراتی ترجمه می‌شدند و به کوشش انجمن ایران‌لیگ به صورت جداگانه در مجله‌های مرتبط با پارسیان بمبئی مانند جام جمشید و قیصر هند به چاپ می‌رسیدند.<sup>۱۷</sup>

رسالت این تبادل کتاب، که با حمایت پارسیان انجام می‌شد، تنها توزیع کتاب‌های فارسی برای خوانندگان ایرانی نبود، بلکه آگاه‌سازی جامعه پارسیان بمبئی نسبت به فرهنگ نوکلاسیسم جدیدی بود که در ایران در حال شکل‌گیری بود. ترجمه و انتشار خرمشاه، مجموعه مقالات پورداد، در نشریه‌های محلی بمبئی بخشی از همین رسالت بود. انتشار متن‌های دوزبانه، به‌ویژه فارسی-انگلیسی که بسیار رایج شده بود، حاصل همکاری‌های ابراهیم پورداد با پارسیان هند بود. دوزبانه بودن این کتاب‌ها هم صادراتشان را آسان می‌کرد و هم در بسیاری از مواقع گردش و توزیع آنها را در داخل بمبئی برای خوانندگانی میسر می‌ساخت که زبان بومی‌شان فارسی نبود و محدود به زبان‌های انگلیسی و گجراتی بودند.

شاید مهم‌ترین کتاب دوزبانه‌ای که بین ایران و هند در گردش بود و باز هم در بمبئی و با مشارکت پورداد و پارسیان در ۱۹۲۸ منتشر شد، مجموعه‌ای از اشعار پورداد با

<sup>17</sup>Purdavud, *Khorramshah*, title page notation.

هفته‌نامه‌های جام جمشید در ۱۸۲۹ و قیصر هند در ۱۸۸۰ شروع به کار کردند. این دو نشریه اصلی‌ترین مجله‌های گجراتی بودند که برای جامعه پارسیان بمبئی به چاپ می‌رسیدند.

<sup>16</sup>Ebrahim Purdavud, *Khorramshah: Konfransha-ye Purdavud dar Hendustan Raj'e A'in va Tarikh va Loqat-e Iran-e Qadim* (Bombay: Iranian Zoroastrian Anjuman and the Iran League, 1927).

عنوان پوراندخت‌نامه بود.<sup>۱۸</sup> پورداود علاوه بر توانمندی‌هایی که در پژوهش پیرامون تاریخ و زبان‌های پیشاسلامی ایران و مطالعات آیین زرتشتی داشت، شاعری چیره‌دست بود.<sup>۱۹</sup> او در زمینه آفرینش شعر به اندازه دیگر شاعران فارسی‌زبان قرن بیستم پرکار نبود. با این حال، از کودکی دستی در شاعری داشت و سالیان دراز شعر سرودن را ادامه داد. خلاقیت‌های شاعرانه او شیفتگی‌اش را نسبت به تاریخ پیشاسلام و میراث زرتشتی ایران نشان می‌دهد و تاریخ باستانی از دست‌رفته ایران یکی از درون‌مایه‌های اصلی شعر او محسوب می‌شود.<sup>۲۰</sup>

حامیان پورداود در بمبئی دقیقاً به سبب دست‌بازی او به همین نوکلاسیسم ایرانی بود که خواهان انتشار پوراندخت‌نامه در ۱۹۲۸ شدند. این کتاب در چاپ دوزبانه فارسی-انگلیسی در هند و ایران توزیع شد. ترجمه انگلیسی این دیوان را دینشاه ایرانی، رابط اصلی پورداود با پارسیان، بر عهده گرفت. هزینه مالی انتشار آن از سرمایه‌های متعلق به نیکوکار متوفای پارسی، پشتون‌جی پاتل (Pestonji Dhunjibhoy Patel)، تأمین شد. هدایای موقوفی پاتل این امکان را به انجمن ایران‌لیگ داد تا بتواند "مجموعه کتاب‌های ایرانی پاتل" را با هدف ترویج "پژوهش در زمینه‌های تاریخ، ادبیات و فلسفه ایران باستان و مدرن" برپا کند.<sup>۲۱</sup>

تاریخچه چاپ پوراندخت‌نامه اطلاعات دقیقی درباره چگونگی توزیع کتاب‌های چاپ بمبئی در ایران به دست می‌دهد و از این بابت این کتاب از اهمیت بسیار برخوردار است. چنان که اشاره شد، با اختراع کشتی بخار در قرن نوزدهم و توسعه راه و راه‌آهن در دوره رضاشاه، روابط تجاری میان ایران و بمبئی دوچندان شد. توسعه زیرساخت‌ها در کنار گردش کالاها و اجناس تجاری افزایش توزیع کتاب میان هند و ایران را نیز به دنبال داشت. کسب اطلاعات دقیق درباره چگونگی توزیع کتاب در درون ایران امری دشوار است، اما از پوراندخت‌نامه اطلاعات خوبی در دست است که به این پرسش پاسخ می‌دهد. این اطلاعات از "یادگارنامه ابراهیم پورداود" به دست آمده است که پس از مرگش در ۱۹۶۸ به قلم تاریخدان ایرانی، ایرج افشار (۱۳۰۴-۱۳۸۹ ش/۱۹۲۵-)

<sup>۱۹</sup> ادوارد براون در کتاب خود پورداود را در کنار بهار قرار می‌دهد:

E. G. Browne, *Press and Poetry of Modern Persia* (Los Angeles: Kalimat Press, 1983 [1914]), 289.

<sup>۲۰</sup> پورداود یکی از پیروان اصلی شعر "پارسی ناب" و عاری از واژه‌های عربی بود.

<sup>۲۱</sup> Purdavud, *Purandokht-nameh*, front matter.

<sup>۱۸</sup> Ebrahim Purdavud, *Purandokht-nameh: Divan-e Purdavud* (Bombay: Iranian Zoroastrian Anjuman and the Iran League, 1928).

نام این مجموعه از نام پوراندخت، دختر پورداود، گرفته شده است.

۲۰۱۱م)، به چاپ رسید. این "یادگارنامه" شرحی است از دستاوردهای پژوهشی و ادبی عمر طولانی و پر بار پورداود. بخشی از آن که اکنون مد نظر است اطلاعاتی است که افشار دربارهٔ رویارویی‌اش با نوشته‌های پورداود به دست می‌دهد.<sup>۲۲</sup> افشار می‌نویسد:

سی سال پیش که دورهٔ ابتدائی مدرسهٔ زردشتیان تهران را به پایان می‌بردم، مجموعهٔ اشعار پورداود به نام "پوراندهخت" و جلد اول "بیست مقالهٔ قزوینی" را، که پورداود در بمبئی چاپ کرده بود، انجمن زردشتیان به من دادند. نیت آنها در دادن جایزه این بود که شاگردان مدارس خود را با فرهنگ مزدیسنائی ایران باستان آشنا سازند. من نیز از این راه با آثار قلمی ابراهیم پورداود آشنایی یافتم. گاه‌به‌گاه شعرهای وطنی او را می‌خواندم. قسمت‌هایی از آن اشعار هنوز در خاطر من مانده است، مانند این بیت که شور وطن‌پرستی از آن جوش می‌زند:

اگر پرسی ز کیش پورداود  
جوان پارسی ایران پرستد<sup>۲۳</sup>

"انجمن زردشتیان" که افشار بدان اشاره دارد انجمنی است که هم‌زمان با پارسی‌پانچایت بمبئی (انجمن بزرگان پارسی) در میانهٔ قرن نوزدهم و با کمک نمایندگان پارسیان در ایران تأسیس شده بود.<sup>۲۴</sup> در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، انجمن زرتشتیان در سطوح مختلف فرهنگی ایران از جمله تأسیس مدارس ابتدایی و دبیرستان در برخی شهرها فعالیت داشت. با اینکه این مدارس برای ارائهٔ خدمات به دانش‌آموزان برپا شده بودند، دانش‌پژوهانی با پیشینه‌های مذهبی متفاوت همچون افشار نیز پذیرفته می‌شدند. دبستان شاپور و دبیرستان فیروز بهرام در تهران از جمله مدارس بودند که با پشتیبانی مالی انجمن زرتشتیان بر پا شدند.<sup>۲۵</sup> ایرج افشار در "یادگارنامهٔ پورداود" می‌گوید که در ابتدای نوجوانی‌اش در اواخر دههٔ ۱۹۳۰ و وقتی که دانش‌آموز مدرسهٔ زرتشتی شاپور بود، با پوراندهخت‌نامهٔ پورداود آشنا شد؛ یعنی درست ۱۰ سال پس از اولین انتشار آن. این گفته شواهدی را دربارهٔ شرایط توزیع کتاب به دست می‌دهد و آن اینکه شبکهٔ

<sup>۲۲</sup>Kasheff, *Anjoman-e Zartostiān: Tebran; Keik-bosrow Shahrokh, The Memoirs of Keikbosrow Shahrokh*, ed. Shahrokh Shahrokh and Rashna Writer (Lewiston: Edwin Mellen Press: 1994), 22-23.

<sup>۲۳</sup>برای شکل کامل این یادگارنامه بنگرید به ایرج افشار، سواد و بیاض: مجموعهٔ مقالات (تهران: دهخدا، ۱۳۵۰)، جلد ۲، ۵۵۹-۵۷۰.  
<sup>۲۴</sup>افشار، سواد و بیاض، ۵۶۰.

<sup>۲۵</sup>Ringer, *Pious Citizens*, 149; M. Kasheff, "Anjoman-e Zartostiān," *Encyclopedia Iranica*, at [www.iranicaonline.org](http://www.iranicaonline.org)



ارتباطی پایداری میان جامعه زرتشتیان ایران و هند برقرار بود که شرایط را برای توزیع کتاب‌های بمبئی در داخل ایران میسر می‌ساخت. پوراندخت‌نامه ابراهیم پورداود، که از آیین زرتشتی الهام گرفته شده بود و افشار جوان در اواخر دهه ۱۹۳۰ آن را می‌خواند، بخشی از برنامه آموزشی مدرسه شاپور تهران محسوب می‌شد.

علاوه بر توزیع کتاب از طریق مدارس زرتشتی و انجمن‌های مذهبی، شواهدی مبنی بر وجود راه‌های دیگری برای توزیع کتاب‌های پورداود در ایران در دست است. این شواهد اهمیت رابطه کتاب‌های چاپ بمبئی را با تغییرات گسترده اجتماعی و فرهنگی اوایل قرن بیستم ایران نشان می‌دهد. به علاوه در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، میان بازار نوپای کتاب‌خوانی ایران و تغییرات پدیدآمده در شهرهای بزرگ آن ارتباط تنگاتنگی وجود داشت.

در دهه ۱۹۳۰، تدوین نظام آموزشی سراسری در ایران طیف گسترده و بی‌سابقه‌ای از خوانندگان را به دنبال داشت.<sup>۲۶</sup> در نتیجه افزایش جمعیت خوانندگان و طبقه تحصیل‌کرده در ایران، مراکز توزیع کتاب در شهرهای گوناگون به منظور برآورده کردن سلیقه‌های جدید و متفاوت احداث شد. در عمل، تغییرات اجتماعی ایران در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به ساخت مکان‌های جدید خرید و فروش کتاب کمک کرد.<sup>۲۷</sup> با تغییرات فزاینده شهری تهران مدرن، کتابفروشی‌های مدرن برای توزیع کتاب‌های تازه نیز از این بازار بکر سر برآوردند.

کتابفروشی‌های تازه تأسیس شهرهای بزرگ ایران خانه جدید کتاب‌هایی از بمبئی بودند که با همکاری ابراهیم پورداود و پارسیان به چاپ می‌رسیدند. تهران یکی از مراکز اصلی فروش کتاب‌های وارداتی از بمبئی محسوب می‌شد. برخی از این کتاب‌ها اطلاعاتی درباره مکان فروش آنها در ایران و هند نیز در اختیار خوانندگان قرار می‌دادند. برای نمونه، در چاپ اول مجموعه مقالات محمد قزوینی (۱۲۵۶-۱۳۲۸ ش/۱۸۷۷-۱۹۴۹ م) با عنوان بیست مقاله قزوینی که به ویرایش ابراهیم پورداود و به کوشش انجمن ایران‌لیگ

درباره تاریخ اجتماعی و فرهنگی طبقه جدید متوسط آن دوره بنگرید به  
Cyrus Schayegh, *Who is Knowledgeable Is Strong: Science, Class, and the Formation of Modern Iranian Society, 1900-1950* (Berkeley: University of California Press, 2009).

<sup>27</sup> Afshin Marashi, "Print Culture and Its Publics: A Social History of Bookstores in Tehran, 1900-1950," *International Journal of Middle East Studies*, 47:1 (2015), 89-109.

<sup>26</sup> منابع بسیاری درباره اصلاحات آموزشی قرن بیستم ایران موجود است. برای شرح مختصری از آن بنگرید به Rudolph Mathee, "Transforming Dangerous Nomads in Useful Artisans: Education in the Reza Shah Period," *Iranian Studies*, 26:3-4 (1993), 333-34.

نیز بنگرید به

Farzin Vajdani, *Making History in Iran: Education, Nationalism, and Print Culture* (Stanford: Stanford University Press, 2015).

در بمبئی منتشر شد،<sup>۲۸</sup> حاوی یک برگه آگهی است که محل فروش کتاب‌های تحت حمایت ایران لیگ و انجمن زرتشتیان ایرانی را نشان می‌دهد.<sup>۲۹</sup> برای مثال، این برگه عنوان می‌کند که این کتاب‌ها را می‌توان در بمبئی از دفترهای ایران لیگ در خیابان کاما و نیز از مراکز انجمن زرتشتیان ایرانی در خیابان کاواسجی پاتل خریداری کرد.<sup>۳۰</sup> همچنین، این آگهی برای محل فروش کتاب‌ها در ایران نشانی دو کتابفروشی تهران را می‌آورد: «کتابخانه تهران» در خیابان لاله‌زار و «کتابخانه کاوه» در خیابان ناصریه.<sup>۳۱</sup> این دو فروشگاه در مناطق تجاری مرکز تهران، که از اواخر دهه ۱۹۲۰ به کانون رفت‌وآمد عابران بدل شده بود، واقع شده بودند. برجسته‌ترین آثار پورداود که تحت حمایت پارسیان و در دوران حضورش در بمبئی حروفچینی و چاپ شدند، یعنی ترجمه گات‌ها<sup>۳۲</sup> (۱۹۲۶) و یشت‌ها<sup>۳۳</sup> (۱۹۲۸)، نیز در کتاب‌های قابل دسترس در کتابفروشی‌های جدید تهران فهرست شده بودند.

آثار فارسی دیگری نیز با همکاری پورداود و پارسیان به کتابفروشی‌های ایران راه یافتند، از جمله کتاب‌های پرترفدار دینشاه ایرانی که نزدیک‌ترین همکار پورداود در بمبئی بود. پورداود که پیش از این با مشارکت دینشاه ایرانی توانسته بود مخاطبانی را در ایران برای خود دست و پا کند، اکنون تلاش می‌کرد همین کار را برای نوشته‌های ایرانی انجام دهد. کتاب‌هایی از دینشاه ایرانی به بازار ایران راه یافتند؛ از جمله پیک مزدیسنان<sup>۳۴</sup> (۱۹۲۷)، اخلاق ایران باستان<sup>۳۵</sup> (۱۹۲۸) که پس از فروش اولین چاپش در ۱۹۳۰ بازنشر

<sup>30</sup>Qazvini, *Bist Maqaleh-ye Qazvini*, front matter.

<sup>31</sup>Qazvini, *Bist Maqaleh-ye Qazvini*, front matter. خیابان ناصریه تقریباً در همان دوره به خیابان ناصر خسرو تغییر نام پیدا کرد.

<sup>32</sup>Qazvini, *Bist Maqaleh-ye Qazvini*, front matter.

<sup>33</sup>Qazvini, *Bist Maqaleh-ye Qazvini*, front matter.

<sup>34</sup>Dinshah Irani, *Peyk-e Mazdayasnan* (Bombay: Iranian Zoroastrian Anjuman and the Iran League, 1927).

درباره همکاری‌های پورداود با ایرانی بنگرید به Marashi, "Patron and Patriot," 198-202.

<sup>35</sup>Dinshah Irani, *Akhlaq-e Iran-e Bastan* (Bombay: Iranian Zoroastrian Anjuman and the Iran League, 1928).

مقاله "شادروان دینشاه ایرانی"، اندیشه ماه سال ۱، شماره ۵ (۱۳۲۵)، ۵ تاریخچه‌ای از چاپ این کتاب به‌دست می‌دهد.

<sup>28</sup>Muhammad Qazvini, *Bist Maqaleh-ye Qazvini: Maqalat-e Adabi va Tarikhi-ye Mirza Ahmad Khan bin Abdolwahab Qazvini*, ed. Ebrahim Purdavud (Bombay: Iranian Zoroastrian Anjuman and the Iran League, 1928), vol. 1.

ویراست‌های فراوان دیگری نیز از این کار در قرن بیستم منتشر شد. یک ویراست مفصل از آن در ۱۹۳۴، به کوشش مشترک عباس اقبال و ابراهیم پورداود، نیز در ایران به چاپ رسید که بعدها در اوایل دهه ۱۹۵۰ پس از فوت قزوینی بازنشر شد. از دهه ۱۹۸۰، نوشته‌های قزوینی در مجموعه‌های متفاوتی به چاپ رسیدند. چاپ اصلی این کتاب که در ۱۹۲۸ در بمبئی منتشر شده بود، شامل پیشگفتاری انگلیسی از دینشاه ایرانی بود که در ویراست‌های بعدی موجود نیست.

<sup>29</sup>Qazvini, *Bist Maqaleh-ye Qazvini*.

از جمله کتاب‌های دیگر عنوان‌شده در صفحه آگهی می‌توان به ایران‌شاه، خرمن‌شاه، پوراوندخت‌نامه و کتاب‌های فراوان دیگری که تا ۱۹۲۸ به چاپ رسیده بودند اشاره کرد.

شد و فلسفه ایران باستان<sup>۳۶</sup> (۱۹۳۳). این کتاب‌ها، که همگی به زبان انگلیسی یا گجراتی نگاشته شده بودند، به همت انجمن ایران‌لیگ به فارسی برگردانده شدند. به لطف شبکه گسترده زرتشتیان هند و ایران و کتابفروشی‌های مدرن روبه‌رشد در مراکز تجاری ایران، کتاب‌های دینشاه ایرانی نیز همانند تألیفات پورداود به گسترده‌گی در ایران انتشار یافتند.

### نتیجه

مشارکت ابراهیم پورداود با پارسیان نقطه عطفی از زمان از سرگیری روابط پارسیان هند با سرزمین آبا و اجدادی‌شان محسوب می‌شود. این روابط در قرن نوزدهم با کمک‌های خیرخواهانه پارسیان ثروتمند و به منظور احداث مدرسه، بیمارستان و پرورشگاه برای هم‌کیشان زرتشتی‌شان در ایران برقرار شده بود، اما در دهه‌های نخست قرن بیستم این روابط شکل بلندپروازانه‌تری از لحاظ فرهنگی و فکری به خود گرفت.

کتاب‌هایی که با مشارکت پورداود و سازمان‌های زرتشتی واقع در بمبئی منتشر می‌شدند، نشان‌دهنده این دور جدید از مراودات میان پارسیان هند و ایرانیان بود. با افزایش آگاهی ایرانیان نسبت به گذشته زرتشتی ایران، که از نتایج برنامه ملت‌سازی دولت نوظهور پهلوی بود، بنیادهای خیریه پارسیان بمبئی نیز حضور خود در ایران را برای حمایت از این برنامه گسترش دادند که بارزترین نمونه آن انتشار کتاب‌های فارسی چاپ بمبئی با مشارکت ابراهیم پورداود بود. برخی از این کتاب‌ها ارزش پژوهشی زیادی داشتند، از جمله ترجمه مشهور گات‌ها و یشت‌ها که پورداود آنها را از اوستایی برگردانده بود. کتاب‌های دیگری که برای مخاطبان عام نگاشته می‌شدند نیز از اهمیت بالایی برخوردار بودند. این کتاب‌ها اطلاعاتی پایه‌ای درباره تاریخ باستانی کشور را در دسترس طبقه نوظهور جامعه ایران قرار می‌دادند، از جمله کتاب‌های ایرانشاه، خرمشاه، پوراندخت‌نامه و آثار عامه‌پسند دینشاه ایرانی که همگی در این زمینه به چاپ رسیدند. این کتاب‌ها به زبان فارسی و در چاپخانه‌های پارسیان واقع در بمبئی چاپ و در ایران توزیع می‌شدند. رشد نرخ باسوادی در میان ایرانیان و افزایش تعداد کتابفروشی‌ها در شهرهای بزرگ به گردش این کتاب‌ها در ایران کمک کرد. در نتیجه همه این تلاش‌ها، کتاب‌های منتشرشده با همکاری پورداود و پارسیان نسل جدیدی از ایرانیان دهه‌های نخست حکومت پهلوی را با میراث باستانی فرهنگی و زرتشتی خویش آشنا ساخت و بر جایگاه ویژه این میراث در هویت ملی ایران مدرن تأکید گذاشت.

<sup>36</sup>Dinshah Irani, *Falsafe-ye Iran-e Bastan* (Bombay: Iranian Zoroastrian Anjuman and the Iran League, 1933).



# ENCYCLOPÆDIA IRANICA

## مجموعه مقالات گیلان در دانشنامه ایرانیکا زیر نظر کریستین برومبِرژه\*

از چند سال پیش، به منظور تسهیل بهره‌گیری محققان از مقالات دانشنامه ایرانیکا طرح تازه‌ای در مرکز ایران‌شناسی دانشگاه کلمبیا آغاز شده است و همه مقالاتی که در یک زمینه خاص -چه به صورت چاپی و چه به صورت الکترونیکی- منتشر شده‌اند، در یک مجموعه در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرند. نخستین جلد این مجموعه که به مقالات دانشنامه ایرانیکا در زمینه دانش پزشکی در ایران و سرزمین‌های ایرانی و همچنین شرح حال پزشکان نامدار ایرانی و سهم آنان در پیشرفت دانش پزشکی زمان اختصاص دارد در سال ۲۰۰۴ و جلد دوم آن، که مقالات مرتبط با یهودیان ایرانی از قدیم‌ترین دوره‌های تاریخی تا امروز، لهجه‌های گوناگون‌شان و نقش آنان در فرهنگ و هنر و موسیقی ایران را در بر می‌گیرد، در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است.

سومین جلد این مجموعه کتابی است شامل ۵۴ مقاله تحقیقی مستند به منابع موثق که تا امروز در دانشنامه ایرانیکا درباره گیلان منتشر شده است. این کتاب ۶۱۰ صفحه‌ای در چهار فصل تنظیم شده است.

- **فصل اول** شامل جغرافیا، تقسیمات اداری، جمعیت‌شناسی و ترکیب قومی و زبانی استان گیلان و ۲۱ شهر و ولایت استان است که در مقاله‌های جداگانه به آنها پرداخته شده است.
- **فصل دوم** به سرگذشت گیلان در طول تاریخ می‌پردازد و از حفاری‌های مارلیک تا یکایک دوره‌های تاریخی گیلان، اطلاعات سودمندی به دست می‌دهد. سپس، آثار تاریخی گیلان در مقاله‌های تفصیلی معرفی می‌شوند.
- **فصل سوم** شرح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی استان، محصولاتی چون ابریشم و برنج و چای و زیتون، فرآورده‌های شیلات و تولید خاویار و نیز صنایع دستی و خانه‌سازی است.
- **فصل چهارم** شرح آداب و رسوم خاص گیلان، از جمله آداب ازدواج و فولکلور و بازی‌ها و پوشاک و خوراک و شیوه‌های طبخ غذای رایج در میان روستاییان و شهرنشینان گیلان است. این فصل با مقاله‌ای درباره هویت و خویش‌نگری اهالی گیلان پایان می‌یابد. فهرست تفصیلی اعلام و اماکن در پایان کتاب آمده است.

This volume is  
published by the  
Encyclopaedia  
Iranica Foundation  
& Institut Français  
de Recherche en  
Iran, 2013.

\* پروفیسور کریستین برومبِرژه استاد دانشگاه پروانس در فرانسه و از مدیران شورای موزه تمدن در اروپا و کشورهای ساحل مدیترانه و صاحب تألیفات متعدد درباره گیلان و فرهنگ آن است که نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از مقاله‌های مستند و مفصلی که به دعوت دانشنامه ایرانیکا درباره فولکلور و آداب زیستی مردم گیلان تدوین کرده است که در این مجموعه هم گنجانده شده‌اند.

Encyclopaedia Iranica Foundation

450 Riverside Drive

New York, NY 10027 USA

(212)851-9161 ey4@columbia.edu

www.iranicaonline.org